



University of Tabriz

Contemporary Comparative Legal Studies

Online ISSN: 2821-0514

Volum: 15 Issue: 36

Autumn 2024

Article Type: Research Article

Pages: 177-206

Comparative Study of Principles and Requirements Related to the Electoral Oversight Body and the Process Governing the Announcement of Election Results

Ali Fattahi zafarghandi¹| Mohammad Javad Shafaghi²| Mohammad Hassan
Abolhasani³| Mohammad Matin Salmani⁴

1. Assistant Professor, Guardian Council Research Institute, Tehran, Iran

a.fattahi.zafarghandi@gmail.com

2. PhD student in Public Law, University of Tehran, Iran

m.shafaghi@ut.ac.ir

3. Master's student in International Law, Imam Sadeq University, Tehran, Iran

h.abolhasani@isu.ac.ir

4. Ph.D Candidate in political science, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

matinsalmani99@gmail.com

Abstract

Nowadays, in the constitutional law of many political systems, the right to determine one's destiny and political participation of people through elections is recognized as one of their fundamental rights and is considered essential to the social and political life of those communities. An essential assumption in any electoral system worldwide is the existence of an electoral oversight body as a supreme and determining institution that safeguards the general will; furthermore, in the post-election phase, the issue of announcing the results as the seal of approval holds great importance. To this end, this article aims to address the principles and requirements surrounding the oversight body for elections and announcing results using a descriptive-analytical method and relying on reputable library documents with a comparative perspective. The research findings indicate that by studying the electoral system existing within the legal framework of governments, the principles and necessities of the electoral oversight body and the announcement of results can be examined and scrutinized.

Keywords: eligibility verification, principles and requirements, result announcement, elections, oversight body.

Received: 2024/05/20

Received in revised form: 2024/10/11

Accepted: 2024/10/28

Published: 2024/11/10

DOI: 10.22034/LAW.2024.61420.3389

Publisher: University of Tabriz

law@tabrizu.ac.ir



مطالعه تطبیقی اصول و بایسته‌های مرتبط با نهاد ناظر بر انتخابات و فرایند حاکم بر اعلام نتایج انتخابات

علی فتحی زفرقندی^۱ | محمدجواد شفق^۲ | محمدحسن ابوالحسنی^۳ | محمدمتین سلمانی^۴

a.fattahi.zafarghandi@gmail.com

۱. استادیار پژوهشکده شورای نگهبان، تهران، ایران

m.shafaghi@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه تهران، ایران

mh.abolhasani@isu.ac.ir

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه امام صادق (ع) تهران، ایران

matinsalmani99@gmail.com

۴. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

چکیده

امروزه در قانون اساسی بسیاری از نظامات سیاسی، حق تعیین سرنوشت و مشارکت سیاسی مردم از طریق انتخابات به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین آنان پذیرفته شده است و از ملزومات زندگی اجتماعی و سیاسی آن جوامع محسوب می‌شود. یکی از مفروضه‌های اساسی در هر نظام انتخاباتی در سراسر جهان، وجود نهاد ناظر به‌عنوان نهاد بالادستی و تعیین‌کننده است که پاسدار آرای عمومی است. همچنین در مرحله پسانتخابات نیز مسئله اعلام نتیجه به‌عنوان مهر خاتم از اهمیت فراوانی برخوردار است. به همین منظور نگارندگان این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر اسناد کتابخانه‌ای معتبر و با نگاهی تطبیقی در پی پاسخ به این پرسش هستند که در راستای استیفای حقوق رأی‌دهندگان در خصوص نهاد ناظر بر انتخابات و اعلام نتایج، چه اصول و الزاماتی وجود داشته و نظام‌های حقوقی در دنیا چه تدابیری برای آن اندیشیده‌اند؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با مطالعه نظام انتخاباتی دولت‌ها، اصولی چون قانونی بودن، استقلال، بی‌طرفی و حاکمیتی بودن برای نهاد ناظر و مواردی چون پاسخگویی، مستدل بودن و حفظ محرمانگی از مهم‌ترین اصول حاکم بر مرحله اعلام نتایج انتخابات است و همچنین این اصول قوام‌بخش و حافظ حقوق شهروندان برای «انتخاب شدن» و «انتخاب کردن» است.

واژگان کلیدی: احراز صلاحیت، اصول و بایسته‌ها، اعلام نتایج، انتخابات، نهاد ناظر.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۳۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۷ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۸/۲۰

DOI: 10.22034/LAW.2024.61420.3389

law@tabrizu.ac.ir

ناشر: دانشگاه تبریز

مقدمه

انتخابات ابزاری مهم و شیوا در راستای عملیاتی‌سازی مشارکت سیاسی شهروندان و تعیین سرنوشت سیاسی آنان است. در این خصوص فرضیه‌های متعددی باید مدنظر قرار گیرد. یکی از مهم‌ترین این موارد نهاد ناظر بر انتخابات و اصول ناظر بر شکل‌گیری و عملکرد آن است که در نهایت منجر به اعلام نتایج انتخابات از سوی این نهاد یا تأیید آن می‌گردد. نظامات سیاسی با توجه به شرایط و اصول سیاسی و ایدئولوژیک و حقوقی خود، نهادی را جهت نظارت بر انتخابات تعیین می‌کنند. محدوده اختیارات و وظایف و همچنین اعضای تشکیل‌دهنده نهاد ناظر مبتنی بر نظم سیاسی اشکال متفاوتی می‌تواند داشته باشد، اما وجود آن ضروری و ذاتاً الزامی است. با تفحص و جست‌وجو در قوانین و مقررات مربوط به انتخابات در سایر نظام‌های حقوقی در کشورهای دنیا و نیز دکرین حقوقی در این زمینه، اصول و بایسته‌هایی قابل استخراج و تبیین است. نهاد ناظر با توجه به اهمیتی که دارد، کل نظام انتخاباتی از ابتدای شروع فرایند انتخابات، یعنی نام‌نویسی تا انتهای آن، یعنی اعلام نتایج انتخابات و تأیید آن را برعهده دارد. این نهاد البته در کشورهای مختلف عناوین مختلفی می‌تواند داشته باشد، اما سلامت انتخابات در گرو عملکرد سالم این نهاد است.

مسئله اعلام نتایج انتخابات را نیز می‌توان همراه با مسامحه مهر خاتم فرایند انتخابات دانست؛ جایی که با پایان‌یافتن فرایند رأی‌ریزی و شمارش آرا، نتیجه انتخابات ذیل اعلام انتخاب‌شدگان به‌صورت عمومی انجام می‌شود. این مهم البته برعهده بخشی از کلیت نهاد ناظر است. اعلام نتایج در پس خود الزامات و بایسته‌هایی را به‌همراه دارد که می‌تواند سلامت انتخابات را تأیید یا دچار خدشه کند. با دانستن این موضوع که اعلام نتایج نیز بخشی از وظایف نهاد ناظر است، اما در مقام نظر، در این مقاله این دو برای تبیین و تدقیق بهتر از یکدیگر تفکیک شده‌اند؛ بنابراین با عنایت به نقش این دو عامل بسیار پراهمیت مرتبط با یکدیگر در استیفای حقوق رأی‌دهندگان، در این پژوهش اصول و بایسته‌های حاکم بر نهاد ناظر بر انتخابات و نیز حاکم بر کارویژه مهم اعلام نتایج انتخاباتی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

از این رو، نگارندگان مقاله پیش رو با نگاهی تطبیقی به قوانین و مقررات مربوط به انتخابات در سایر نظام‌های حقوقی در کشورهای مختلف دنیا و اسناد و مطالعات حقوقی مرتبط در این باره

به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی‌اند که اصول و بایسته‌های حاکم بر نهاد ناظر بر انتخابات و همچنین اعلام نتایج چیست؟

در این باره مقالات و عناوین متعددی به‌عنوان کتاب منتشر شده‌اند که از جمله آن‌ها به کتاب «حقوق انتخابات دموکراتیک» (خسروی، ۱۳۸۷)، مقاله «آسیب‌شناسی نظام حقوقی حاکم بر فرایندهای نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی در پرتو سیاست‌های کلی انتخابات» (طحان نظیف و کدخدا مرادی، ۱۳۹۸)، مقاله «اصل مستند، مستدل و موجه بودن آرای دیوان عدالت اداری و مراجع شبه‌قضایی با بررسی رویه قضایی» (حاجی‌پور و همکاران، ۱۴۰۲) و همچنین آرشیو انتخاباتی وبسایت آدام کار از مهم‌ترین این منابع بوده که می‌توان به آن‌ها اشاره کرد. در کنار اصول اشاره‌شده در مقاله دوم، اصول دیگری از جمله پاسخگویی، محرمانگی و دادخواهی نیز در مقاله پیش رو ذکر شده و این اصول به‌طور مشخص در خصوص فرایند انتخابات مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

این پژوهش ذیل دو بخش اصلی یعنی اصول و بایسته‌های نهاد ناظر بر انتخابات و اصول و بایسته‌های مربوط به اعلام نتایج انتخابات ارائه می‌شود. ذیل هر بخش، اصول و بایسته‌ها هرکدام تعریف شده و نهایتاً با استفاده از نمونه‌های تطبیقی مورد بررسی و تبیین دقیق قرار گرفته است.

۱. اصول و بایسته‌های مربوط به نهاد ناظر

در خصوص نهاد متولی امر انتخابات که تحت عنوان نهاد ناظر انتخابات می‌توان از آن نام برد، الزامات و بایسته‌هایی قابل شناسایی است که در ادامه برخی از مهم‌ترین آن‌ها با نگاهی به سایر کشورها بیان می‌شود.

۱.۱. اصل حاکمیتی بودن

مفهوم حاکمیت (Sovereignty) در اصل، نوعی حق انحصاری و مشروع یک نهاد (به‌ویژه حکومت) در اعمال نظارت و زور (حکومت) در مکان یا وضعیت مشخصی است. اساساً مفهوم حاکمیت مفهومی سیاسی و به‌خصوص نهادی است و کمتر می‌توان دربارهٔ سازمان‌های

غیرسیاسی به کار برد^۱. این مشروعیت و حق انحصاری به زبان ماکس وبر، جامعه‌شناس آلمانی، می‌تواند شکلی سنتی، کاریزمایی یا قانونی- عقلانی داشته باشد؛ البته که در نهایت نوع سنتی و کاریزمایی مشروعیت بعد از استقرار نهادهای دولتی و شکل‌گیری مبانی دولت مدرن، شکلی قانونی پیدا می‌کند^۲.

مفهوم حاکمیتی بودن^۳ اما ناشی از تأسی یک نهاد از حاکمیت اعلی در یک دولت است؛ به این معنا که شکل‌گیری و تداوم نهادی در یک دولت به واسطه نصّ قانون تصویب‌شده از سوی دولت امکان‌پذیر شده، عاملی بر ایجاد اقتدار عمومی برای نهاد نامبرده شده است، در واقع ثبات این نهاد ناشی از حاکمیت قانونی دولت در سرزمینی است. از طرف دیگر، مشروعیت‌زایی نهادهای دولتی به واسطه حاکمیت دولت نشان‌دهنده تداوم قدرت نهاد به شکلی حکومت‌پایه و نه مردم‌پایه است؛ به این معنی که در دوگانه حکومت و جامعه مدنی که شکل‌دهنده دولت است، نهاد دارای اصل حاکمیتی بودن، قدرت خود را نه از جامعه مدنی و سازمان‌های آن، بلکه از نهادهای رسمی حکومتی گرفته، درواقع جریان قدرت را از بالا به پایین پمپاژ می‌کند و شهروندان در شکل‌گیری، تداوم یا مشروعیت‌زایی آن دخالتی ندارند. حاکمیتی بودن می‌تواند به واسطه تصریح قانون اساسی، قوانین موضوعه و عادی و دیگر سیاست‌های رسمی دولتی ایجاد شود. در این معنا حتی می‌توان گفت چنین نهادی دارای صلاحیت ذاتی و حتی صلاحیت‌دهنده است و نیازمند صلاحیت یا مشروعیت‌بخشی دیگر نهادها نیست^۴.

در سال ۲۰۰۱، سه شهروند بلغاری به سبب ممانعت از آنها برای شرکت در انتخابات مجلس همان سال و نقض کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به دادگاه اروپایی حقوق بشر شکایت کردند. دلیل اعلام‌شده از سوی دولت بلغارستان، همکاری این نامزدها با آژانس‌های امنیتی رژیم کمونیستی سابق بود. نائوم ایوانوف پتکوف، بوریس رادکوف گئورگیف و ونتسلاو آسنوف دیمیتروف^۵ در ابتدا شکایت خود را به دادگاه اداری ایالتی برده، توانستند رأی کمیسیون انتخابات را باطل کنند؛ اما با این حال به دلیل فشار نمایندگان دیگر احزاب و اعتصاب آنها و همچنین رأی

1. Giddens A & Griffiths S., *Sociology*. (Polity; 2006), p. 844.

2. Bendix R. & Max Weber: *an Intellectual Portrait*. (United Kingdom, Psychology Press; 1998), p. 294

3. Bieng Sovereignty

۴. سید ابوالفضل قاضی، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، (تهران: میزان، چ ۱۷، ۱۴۰۲)، ص ۱۸۰.

5. Naum Ivanov Petkov, Boris Radkov Georgiev and Ventseslav Asenov Dimitrov

ابطال کاندیداتوری این سه از سوی دادگاه قانون اساسی این کشور، نهایتاً این کاندیدها اجازه حضور در انتخابات مجلس سال ۲۰۰۱ را به دست نیاوردند. به این سبب، عملاً تأثیرگذاری بسزای گروه‌های مردم‌پایه از خارج از ساختار نهاد ناظر عامل تغییر رأی و ابطال حضور این کاندیدها در انتخابات مجلس شدند. ابطال رأی دادگاه ایالتی به واسطه فشار نمایندگان و احزاب، نشان از اختلال در اصل «حاکمیتی بودن» به عنوان اصل پشتیبان نهاد ناظر در نظام انتخاباتی این کشور بود.

دادگاه اروپایی حقوق بشر البته در رأی خود دولت بلغارستان را ناقض ماده ۳ پروتکل ۱ دانست و دلیل آن را عدم اجرای حکم نهایی دادگاه اداری ایالتی بلغارستان در مورد بازگرداندن این سه به لیست نامزدهای انتخاباتی اعلام کرد.^۶

۲.۱. اصل قانونی بودن^۷

اصل مهم دیگر در مورد نهاد ناظر، اصل «قانونی بودن» نهاد نامبرده است. اگر اصل «قانونی بودن» را هم‌ردیف با مفهوم مشروعیت در نظر بگیریم، اصل «قانونی بودن»، نوعی مشروعیت قانونی - عقلانی را دربر می‌گیرد؛^۸ که در این معنا نه تنها مشروعیت چیزی است که به سبب عقل سلیم^۹ سنجیده می‌شود، بلکه قوانین موضوعه و در واقع دولت و نهادهایش نیز آن را به صورت رسمی شناسایی کرده‌اند. می‌توان این گونه به موضوع این پژوهش تسری داد که وجود یک نهاد ناظر برای بررسی صلاحیت نامزدهای انتخاباتی و نظارت بر برگزاری انتخابات، نه تنها عقلانی بلکه در کشورهایی که انتخابات به هر شکلی در آنها برگزار می‌شود، در نص قانون نیز ذکر شده است. قانونی بودن از طرفی پاسخ به سؤال درباره میزان اختیارات یک نهاد یا ساختار سیاسی است و بدین سبب وظیفه دارد از خودسری‌ها و رفتارهای غیرقانونی نهادها جلوگیری کند. از طرف دیگر - آن چنان که گفته شد - قانونی بودن عاملی خواهد بود بر مشروعیت یک نهاد و این به منزله دارا بودن قدرت عمومی است. البته که قانونی بودن در رابطه‌ای تنگاتنگ با دیگر اصول

6. Petkov and Others v. Bulgaria
<https://www.eods.eu/elex/uploads/files/57c4469fbe072-PETKOV%20AND%20OTHERS%20v.%20Bulgaria.pdf>

7. Legality

8. Bendix R. *Max Weber: an Intellectual Portrait*. (United Kingdom, Psychology Press; 1998), p. 294

9. Common Sense



مانند اصل «بی‌طرفی» است و در این معنا ضامن منافع عمومی - و نه اشخاص - خواهد بود.^{۱۰} می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که اصل قانونی بودن خود می‌تواند ضامن دیگر اصول از جمله بی‌طرفی یا استقلال باشد.

یکی از موارد قضایی بین‌المللی در خصوص این اصل، در کشور لیتوانی و رئیس‌جمهور سابق این کشور رخ داده است. رولانداس پاکساس^{۱۱} در سال ۲۰۰۳ به‌عنوان رئیس‌جمهور کشور لیتوانی انتخاب شد. او در همان سال ذیل فرمان ۴۰ ریاست‌جمهوری به یک تاجر روس به نام یوریچ بوریسوف تابعیت لیتوانیایی اعطا کرد. در ادامه و در همان سال پارلمان لیتوانی مبنی بر عدم تطابق این شهروندی اعطایی به بوریسوف با قانون اساسی شکایتی را به دادگاه قانون اساسی این کشور برد و ادعا کرد این تابعیت به‌واسطه کمک‌های این تاجر به کمپین انتخاباتی پاکساس بوده است. او در نهایت با اتهامات جدی مواجه شد و در سال ۲۰۰۴ از سوی پارلمان لیتوانی استیضاح و برکنار شد. او سعی کرد در انتخابات ریاست‌جمهوری همان سال - برای جایگزینی خودش - شرکت کند، اما پارلمان در همان سال متممی برای قانون اساسی به‌تصویب رساند که به‌موجب آن افراد استیضاح‌شده به مدت پنج سال پس از استیضاح، از حضور در پست ریاست‌جمهوری منع شدند. در نهایت دادگاه قانون اساسی لیتوانی این اصلاحیه را ناقض قانون اساسی دانست و در عوض اعلام کرد که افرادی که قانون اساسی را نقض کرده‌اند یا سوگندهای خود را حفظ نکرده‌اند، دیگر نمی‌توانند مناصب دولتی را که نیاز به سوگند دارند، داشته باشند و این‌گونه پاکساس با محرومیت مادام‌العمر برای رسیدن به پست ریاست‌جمهوری مواجه شد. او شکایتی را علیه دولت لیتوانی به دلیل نقض مواد ۱۴ (بندهای ۱ و ۲)^{۱۲}،

۱۰. حسن خسروی، حقوق انتخابات دموکراتیک، (تهران: مجد، ج ۱، ۱۳۸۸)، ص ۱۳۰.

11. Rolandas Paksas

۱۲. همه در مقابل دادگاه‌ها و دیوان‌های دادگستری متساوی هستند. هر کس حق دارد که طبق قانون به دادخواهی او منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح، مستقل و بی‌طرف رسیدگی بشود و آن دادگاه درباره حقانیت اتهامات جزایی علیه او یا اختلافات راجع به حقوق مدنی و الزامات آن اتخاذ تصمیم نماید.

تصمیم به سری بودن جلسات در تمام یا قسمتی از دادرسی خواه به جهات اخلاقی حسنه یا نظم عمومی یا امنیت ملی در یک جامعه دموکراتیک و خواه در صورتی که مصلحت زندگی خصوصی اصحاب دعوی اقتضا کند و خواه در مواردی که از لحاظ کیفیات خاص علنی بودن جلسات مضر به مصالح دادگستری باشد تا حدی که دادگاه لازم بداند، امکان دارد، لیکن حکم صادره در امور کیفری یا مدنی علنی خواهد بود مگر آنکه مصلحت صغار طور دیگری اقتضا نماید یا دادرسی مربوط به اختلافات زناشویی یا ولایت اطفال باشد. هر کس به ارتکاب جرمی متهم شده باشد حق دارد بی‌گناه فرض شود تا این که مقصر بودن او بر طبق قانون محرز بشود.

۱۵ و ۲۵ (الف)، (ب) و (ج)^{۱۴} میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^{۱۵} تنظیم کرد و تحویل کمیته حقوق بشر سازمان ملل داد. در نهایت نیز این دادگاه نقض ماده ۲۵ میثاق (حق انتخاب شدن و از بین بردن محدودیت‌های این حق) را از سوی دولت لیتوانی تشخیص داد؛ زیرا دادگاه این ممنوعیت را که یک «رد صلاحیت مادام‌العمر» بود دلیلی بر آن دید که مانع از «نامزدی در انتخابات ریاست‌جمهوری یا نخست‌وزیر یا وزیر بودن» پاکساس می‌شود. همچنین او به دادگاه اروپایی حقوق بشر به همین سبب شکایت برده بود.^{۱۶}

این مورد نشان می‌دهد که مشخص نبودن مرجعی معین، روشن و البته قانونی برای رسیدگی به دعاوی انتخاباتی، عاملی برای خدشه بر حق یک شهروند برای «انتخاب شدن» گردیده است.

در این باره در ایران و در فصل‌های ششم و نهم قانون اساسی به ترتیب درباره انتخابات مجلس شورای اسلامی و ریاست‌جمهوری سخن رفته است. در مورد شرایط نامزدی در انتخابات ریاست‌جمهوری، در اصل یکصد و پانزدهم شرایط آن ذکر شده است. مطابق اصل یکصد و هجدهم قانون اساسی، مسئولیت نظارت بر انتخابات ریاست‌جمهوری برعهده شورای نگهبان است: «مسئولیت نظارت بر انتخابات ریاست‌جمهوری طبق اصل نود و نهم بر عهده شورای نگهبان است؛ ولی قبل از تشکیل نخستین شورای نگهبان بر عهده انجمن نظارتی است که

۱۳. هیچ‌کس به علت فعل یا ترک فعلی که در موقع ارتکاب بر طبق قوانین ملی یا بین‌المللی جرم نبوده محکوم نمی‌شود و همچنین هیچ مجازاتی شدیدتر از آنچه در زمان ارتکاب جرم قابل اعمال بوده تعیین نخواهد شد. هرگاه پس از ارتکاب جرم قانون مجازات خفیف‌تری برای آن مقرر دارد مرتکب از آن استفاده خواهد نمود.

هیچ‌یک از مقررات این ماده با دادرسی و محکوم کردن هر شخصی که به علت فعل یا ترک فعلی که در زمان ارتکاب بر طبق اصول کلی حقوق شناخته‌شده در جامعه ملت‌ها مجرم بوده باشد، منافات نخواهد داشت.

۱۴. هر انسان عضو اجتماع حق و امکان خواهد داشت بدون (درنظر گرفتن) هیچ‌یک از تبعیضات مذکور در ماده ۲ و بدون محدودیت غیرمعمول:

الف. در اداره امور عمومی بالمباشره یا بواسطه نمایندگانی که آزاد انتخاب شوند شرکت نماید.

ب. در انتخابات ادواری که از روی صحت به آرای عمومی مساوی و مخفی انجام شود و تضمین‌کننده بیان آزادانه اراده انتخاب‌کنندگان باشد رأی بدهد و انتخاب بشود.

ج. با حق تساوی طبق شرایط کلی بتواند به مشاغل عمومی کشور خود نایل شود.

15 International Covenant on Civil and Political Rights

16. Paksas v. Lithuania

[https://www.eods.eu/elex/uploads/files/57c43878b315a-Paksas%20v.%20Lithuania%20\(UNHRC%20-%2020155-2012\).pdf](https://www.eods.eu/elex/uploads/files/57c43878b315a-Paksas%20v.%20Lithuania%20(UNHRC%20-%2020155-2012).pdf)



قانون تعیین می‌کند». همچنین اصل شصت و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بیان می‌دارد: «مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به‌طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند تشکیل می‌گردد. شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد» و در اینجا، منظور از قانونگذار چنان‌که در قانون اساسی و قانون انتخابات مجلس آمده، همان نهاد ناظر انتخابات یا شورای نگهبان است.

۳.۱. اصل شفافیت

شفافیت^{۱۷}، موقعیتی در پدیده‌های اجتماعی و سیاسی است که در آن به شهروندان اجازه دسترسی، استفاده، سود بردن، فهمیدن و حسابرسی اطلاعات مراکز و نهادهای قدرت و فرایندهای برگزارشده از سوی آنان را می‌دهد. هدف شفافیت، کاهش ریسک‌های خاص یا مشکلات عملکرد از طریق افشای داوطلبانه اطلاعات از سوی نهادها و سازمان‌های سیاسی و غیرسیاسی است. پس شهروند به سبب آنکه دارای حقوق شهروندی در راستای عضویت در یک دولت و جامعه است و به همین جهت دارای حقوق و تکالیف و روابط متقابل با ساختار سیاسی است، باید در جریان رخدادهای داخلی دولت خود باشد^{۱۸}. البته در زمان و مکان‌های مختلف این شفافیت میزان و اشکال متفاوتی دارد. شفافیت خود می‌تواند عامل مشارکت سیاسی افراد شود و از طرف دیگر مشارکت سیاسی نیز عامل شفافیت است؛ چراکه انتخاب‌شونده در مقابل انتخاب‌کننده خود تکالیفی دارد و پیگیری این تکالیف ملزم به شفافیت و پاسخگویی است و از طرف دیگر این نوع شفافیت و پاسخگویی نشان‌دهنده تعیین‌کنندگی آرای رأی‌دهندگان است^{۱۹}.

در اینجا استقلال نهاد ناظر در مطالعه شفافیت این نهاد بسیار مؤثر است. نهادهای مشابه در کشورهایی مانند فرانسه و بلژیک، با آنکه با حضور چندین نهاد بالادستی یعنی دولت و مجلس تشکیل می‌شوند، ولی درنهایت مستقل از هر دو هستند. از طرف دیگر، مؤثر بودن دو قوه مجریه و مقننه در تشکیل این نهادها که به‌عنوان نهاد ناظر بر انتخابات حضور دارند، بسیار حائز اهمیت

17. Transparency

18. Khemani S, Dal Bó E, Ferraz C, Finan FS, Stephenson Johnson CL, Odugbemi AM, Thapa D, Abrahams SD. Making politics Work for Development: Harnessing Transparency and Citizen Engagement. The World Bank Report; (2016), pp. 172-173.

19. Hollyer JR, Rosendorff BP, Vreeland JR. "Democracy and transparency". The Journal of Politics. 73 (2011), p. 1195.

است و می‌تواند بر پاسخگویی و شفافیت آنها تأثیرگذار باشد.

در کشور آذربایجان، عارف حاجیلی^{۲۰} در سال ۲۰۰۶ به‌عنوان نامزد انتخاباتی مجلس محلی ثبت نام کرد و در انتخابات نیز یکی از پیشتازان منطقه خود برای ورود به مجلس بود، اما به دلیل ادعای «تغییرات غیرمجاز» از سوی نهاد ناظر انتخابات این کشور، اداره انتخابات آرای این کاندیدا را باطل اعلام کرد. وی شکایتی علیه دولت آذربایجان به اتهام نقض ماده ۳ پروتکل ۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به دادگاه حقوق بشر اروپایی مطرح کرد و مدعی شد، اساساً دلایل دولت آذربایجان و نهاد ناظر انتخاباتی غیرشفاف و ناموجه است.

دادگاه در پاسخ به این شکایت اعلام کرد، قطعی بودن اینکه نامزد یادشده نامزد پیروز باشد غیرممکن است و از طرف دیگر ماده ۳ پروتکل ۱، پیروزی در انتخابات را فی‌نفسه تضمین نمی‌کند؛ بلکه حق نامزدی و انتخاب شدن در وضعیتی دموکراتیک را تضمین می‌کند. با این حال، این دادگاه پیشتاز بودن عارف حاجیلی را تصریح نمود و اعلام ابطال انتخابات از سوی اداره انتخابات دولت آذربایجان را بی‌اساس، خودسرانه، غیرقانونی و با دلایلی مبهم و غیرشفاف و نیز ناقض ماده یادشده اعلام کرد و در نهایت رأی به نفع عارف حاجیلی صادر شد^{۲۱}.

در ایران در حوزه شفافیت به‌طور مشخص اصول یا موادی در قوانین موضوعه یا انتخاباتی ذکر نشده است، اما هم در قانون انتخابات ریاست جمهوری و هم مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان موظف به رسیدگی به تخلفات گزارش شده خواهد بود و در صورت اثبات، افراد ذی‌ربط برکنار و به تخلفات آنها مشخصاً رسیدگی خواهد شد^{۲۲}. در ماده ۶۲ قانون انتخابات مجلس نیز به‌ویژه در حوزه پاسخگویی، هیئت نظارت استان موظف به رسیدگی به شکایات به‌صورت مستدل و شفاف است.

۴.۱. اصل بی‌طرفی

اصل «بی‌طرفی»^{۲۳} از لوازم و اصول بسیار مهم نهاد ناظر بر انتخابات است. بی‌طرفی یکی از

20. Arif Mustafa Oglu Hajili

21. Hajili v. Azerbaijan

<https://www.eods.eu/elex/uploads/files/57ce99610e722-HAJILI%20v.%20AZERBAIJAN.pdf>

۲۲. ماده ۶۱ قانون انتخابات ریاست جمهوری ایران مصوب ۱۳۶۴/۴/۵

23. Impartiality



اصول اساسی مفهوم «عدالت» است که بیان می‌کند تصمیمات شخص، سازمان یا نهاد باید بر اساس معیارهای عینی و نه بر اساس سوگیری، تعصب، یا ترجیح دادن منفعت یک فرد یا گروهی بر دیگری به دلایل شخصی و غیرعادلانه باشد؛ همچنین این اصل می‌گوید که در یک منازعه و داوری نباید از هیچ‌یک از طرفین درگیر هیچ‌گونه حمایتی شود.^{۲۴} واژه «بی‌طرفی» که یکی از الزامات تفکر مدرن است، مفهوم وسیعی را دربر می‌گیرد و البته نیازی به تفسیر اخلاقی ندارد. بسیاری مانند لاک، کانت و رالز آن را عامل زندگی مطلوب در عصر مدرن می‌دانند.^{۲۵} در این مفهوم گسترده، انتخاب بی‌طرفانه، انتخابی است که در آن نوع خاصی از ملاحظات (برخی از ویژگی‌های انتخاب‌شده در افراد یا پدیده‌ها) تأثیری نداشته باشد. در این راستا تحلیلی از سوی برنارد گرت^{۲۶} پیشنهاد شده که معتقد است: «A در رابطه با R با توجه به گروه G بی‌طرف است؛ اگر و تنها در صورتی که اقدامات A در رابطه با R به هیچ‌وجه تحت تأثیر هیچ‌کدام از اعضای G منتفع نشده یا آسیبی نبیند».^{۲۷}

در بررسی اصل بی‌طرفی می‌توان به مورد رخ داده در فدراسیون روسیه اشاره کرد. در سال ۲۰۰۳ طی انتخابات مجلس این کشور احزاب اپوزیسیون دولت روسیه، از جمله حزب کمونیست روسیه^{۲۸}، به دلیل آنچه آنان «نابرابری در تبلیغات تلویزیونی برای احزاب» عنوان کردند، شکایتی را علیه دولت به دادگاه اروپایی حقوق بشر با اتهام نقض ماده ۳ پروتکل ۱ تنظیم و این عمل ایستگاه‌های تلویزیونی را مغرضانه اعلام کردند. همچنین آنان اظهار داشتند که به‌عنوان نامزدهای اپوزیسیون، برخلاف مواد ۱۳ و ۱۴ کنوانسیون، مورد تبعیض قرار گرفته‌اند و حزب «روسیه واحد»^{۲۹} فضای رسانه‌ای بیشتری برای تبلیغات در اختیار داشته و از طرفی این کار ادامه‌دار شده و امکان جلوگیری از آن وجود نداشته است.

دادگاه نهایتاً این درخواست را طبق ماده ۱۴ غیرقابل پذیرش تشخیص داد و ارزیابی کرد که

24. Cambridge Dictionary

۲۵. محمد راسخ و محمد رفیعی، «نسبت حکومت با زندگی مطلوب: نگرشی به رویکرد بی‌طرفی»، *مطالعات حقوقی تطبیقی معاصر*، ش ۱ (۱۳۸۹)، ص ۱۱۱.

26. Bernard Gert

27. Gert, B. "Moral impartiality". *Midwest Studies in Philosophy*. No. 20 (1995), p. 104.

28. Kommunističeskaja Partija Rossijskoj Federacii; KPRF Communist Party of the Russian Federation

29. United Russia

هیچ نقضی در خصوص ماده ۱۳ یا ماده ۳ پروتکل شماره ۱ صورت نگرفته است. البته دادگاه نوعی نابرابری در تبلیغات نامزدها و رفتار عمدی دولت برای بیشتر دیده شدن برخی احزاب را تشخیص داده بود، اما آن را برای اثبات نقض مواد یادشده و انتخابات آزاد از سوی دولت روسیه کافی نمی‌دانست.^{۳۰}

در این مورد با وجود اثبات نشدن نقض کنوانسیون، در خصوص اهمیت بی‌طرفی نهاد ناظر و دیگر نهادهای دخیل در فرایند احراز صلاحیت کاندیداها و فرایند خود انتخابات مطالعاتی انجام شده است

در انگلستان هم، نظام انتخاباتی و دولت این کشور به‌عنوان نهاد ناظر با اتهام عدم رعایت بی‌طرفی مواجه شد. در سال ۱۹۸۰ حزب لیبرال انگلستان و ایرلند شمالی به همراه دو شهروند انگلیسی دیگر، شکایتی را علیه دولت انگلستان به دلیل سیستم نامطلوب انتخاباتی اکثریت ساده مورد استفاده در انتخابات پارلمان این کشور و تناقض‌آمیز بودن آن و در نتیجه نقض ماده ۳ پروتکل ۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^{۳۱} مطرح کردند.

در قانون انتخابات این کشور ذکر شده است که «رأی‌گیری با استفاده از برگه رأی انجام می‌شود. نتایج با شمارش آرای هریک از نامزدها مشخص می‌شود و نامزدهایی که اکثریت آرا به آنها داده شده است، منتخب اعلام می‌شوند». این شکل از رأی‌گیری از سال ۱۹۵۶ تاکنون در جریان بوده است و حتی دو حزب اصلی این کشور، یعنی حزب محافظه‌کار و حزب کارگر، این نظام انتخاباتی را به‌عنوان مطلوب‌ترین شکل رأی‌گیری و اعلام نتیجه برندگان پذیرفته‌اند. با اینکه حزب لیبرال این مسئله را نوعی پیروی از منافع این دو حزب بزرگ انگلستان می‌داند، اما در نهایت در رأی اعلامی از سوی دادگاه، هیچ نقضی بر ماده ۳ پروتکل ۱ اعلام نشد و شکایت مطرح‌شده غیرقابل قبول تلقی گردید.^{۳۲}

30. The Communist Party of Russia and Others v. Russia
<https://www.eods.eu/elex/uploads/files/57ce9d47277d0-COMMUNIST%20PARTY%20OF%20RUSSIA%20AND%20OTHERS%20v.%20RUSSIA.pdf>

۳۱. حق انتخابات آزاد: طرف‌های معظم متعهد، متعهد به برگزاری انتخابات آزاد در فاصله زمانی معقول از طریق رأی‌گیری مخفی، تحت شرایطی که انتخاب اعضای مجلس قانونگذاری، بیان آزادانه افکار عمومی را تضمین خواهد نمود، می‌باشند.

32. Liberal Party. Mrs. R. and Mr. P. v. United Kingdom <https://www.eods.eu/elex/uploads/files/57cd7746a0e1d-LIBERAL%20PARTY,%20R.%20and%20P.%20v.%20the%20UNITED%20KINGDOM.pdf>



با وجود اتهام حزب لیبرال به دولت انگلستان مبنی بر ناعادلانه بودن سیستم انتخاباتی اکثریت ساده، اما آنچه سنت انتخاباتی انگلستان طی چندین قرن برگزیده، اکثریت ساده بوده که هم در سنت قدمای انگلیسی و هم سنت معاصر این کشور این سیستم انتخاباتی توانسته است بی‌طرفی را در انتخابات این کشور تضمین کند.

در ایران نیز در انتخابات ریاست جمهوری، در موادی از اصلاحیه سال ۱۳۶۵، افرادی را که در امر نظارت و برگزاری انتخابات دخیل هستند موظف به استعفا از منصب خود دانسته است.^{۳۳} همچنین هیچ‌یک از اعضای هیئت ناظر نباید دارای خویشاوندی نسبی یا سببی با داوطلبان انتخاباتی باشند.^{۳۴} از طرفی در مواد ۸۲ و ۸۷ قانون اخیر انتخابات مجلس تنظیم‌شده در اول مرداد ۱۴۰۲ بر بی‌طرفی و لزوم رعایت آن در این انتخابات تصریح شده است.

۵.۱. اصل استقلال^{۳۵}

مفهوم «استقلال» در ماهیت خود به معنای عدم وابستگی و آزادی عمل «در خود» است. استقلال می‌تواند اشکال مختلفی مثل استقلال سیاسی، فرهنگی و اقتصادی داشته باشد^{۳۶}، با این حال هیچ پدیده‌ای نمی‌تواند استقلال تمام و کمال را دریافت کند؛ چراکه حیات هر پدیده‌ای در ارتباط با دیگر پدیده‌ها و در غیریت با آنان شکل می‌گیرد. واژه‌نامه دهخدا نیز استقلال را وضعیتی معرفی می‌کند که کاری را بدون شرکت یا دخالت دیگری انجام دهیم.^{۳۷} در اصطلاح حقوقی و سیاسی آن، این مفهوم برای دولت‌ها و ملت‌ها به کار می‌رود؛ اما در وضعیتی که این پژوهش سعی در تسری دادن آن به یک نهاد سیاسی دارد، می‌توان گفت نهادی استقلال دارد که هیچ کارگزار یا بخشی از ساختار سیاسی نتواند آن را به واسطه فشارهای مالی، سیاسی، نظامی - امنیتی و اخلاقی تحت تأثیر قرار دهد.^{۳۸} شورای نگهبان در جمهوری اسلامی و حتی در

۳۳. ماده ۳۷ قانون انتخابات ریاست جمهوری اصلاحی ۱۳۶۵/۰۸/۲۵

۳۴. ماده ۴۰، همان.

35 Independence

۳۶. محسن ابوالحسنی، گزارش پژوهشی آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی بررسی مفهوم «استقلال»، (تهران: پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۳)، صص ۴-۵.

۳۷. علی‌اکبر دهخدا، فرهنگ متوسط دهخدا، ج ۱، (تهران: دانشگاه تهران، ص ۱۴۲).

۳۸. محسن ابوالحسنی، گزارش پژوهشی آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی بررسی مفهوم «استقلال»، (تهران: پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۳)، ص ۶.

دیگر کشورهایی که نهاد مشابه دارند، باید دارای استقلال باشد تا از هرگونه سوگیری شخصی، گروهی یا حزبی برای نظارت بر انتخابات یا بررسی صلاحیت نامزدهای انتخاباتی اجتناب کند.

در مورد اصل استقلال، کشورهایی که به نوعی دارای نهادی برای نظارت بر انتخابات هستند، همگی سعی می کنند با استفاده از ایجاد تکثر در نیروهای حاضر در آن، امکان استقلال را به همراه بی طرفی برای آن نهاد ایجاد کنند؛ نمونه آن کشور فرانسه است که در آن شورای قانون اساسی نهاد ناظر بر انتخابات است. اعضای این شورا رؤسای جمهور سابق که خواهان حضور در شورا هستند و همچنین ۹ عضو دیگر در دوره های ۹ ساله غیرقابل تمدید از سوی رئیس جمهور، رئیس مجمع ملی و رئیس سنای فرانسه انتخاب می شوند و رئیس شورا هم منتخب رئیس جمهور است.^{۳۹} به این سبب، نهاد ناظر می تواند به نوعی استقلال را از هر سه قدرت اصلی در دولت فرانسه حفظ کند.

مفهوم استقلال، مفهومی اساسی در بررسی نهاد ناظر بر انتخابات است. در ایران نیز شورای نگهبان به عنوان نهاد ناظر بر انتخابات از این قاعده مستثنا نیست. این شورا به واسطه دارا بودن اختیار در تصمیم گیری های نهادی، سازمانی و پرسنلی خود، دارای استقلال قابل توجهی در انجام وظایف و کارویژه خود است.^{۴۰} این مهم به ویژه با ارائه نظر تفسیری شورای نگهبان در سال ۱۳۸۶ رخ داد و این نهاد را در امر نظارت درونی کاملاً مستقل کرد.^{۴۱} همچنین اعضای این نهاد منتخب مقام معظم رهبری اند و بقای آنها وابسته به دیگر قوا نیست.

۲. اصول و بایسته های حاکم بر اعلام نتایج انتخابات

همانند سایر مراحل انتخابات، مرحله اعلام نتایج به عنوان یکی از مهم ترین مراحل در فرایند انتخابات مبتنی بر برخی بایسته ها و اصولی است که در ادامه مطرح می شود.

39. Constitutions Françaises

۴۰. فردین مرادخانی و ابراهیم صباغی ولاشانی، «حدود استقلال شورای نگهبان (مطالعه موردی استقلال مالی، اداری، استخدای و تشکیلاتی شورای نگهبان)»، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ش ۲۶ (۱۴۰۱)، ص ۲۲۳-۲۲۲.

۴۱. نظریه تفسیری شورای نگهبان به شماره ۸۶/۳۰/۲۱۹۳۴ در خصوص اصول چهارم، نود و یکم و نود و نهم قانون اساسی، ۱۳۸۶/۴/۱۹.

۱.۲. اصل پاسخگویی

اصل پاسخگویی^{۴۲} یکی از اصول بسیار مهم حکمرانی خوب است^{۴۳}. این اصل در پی افزایش نظارت عمومی و مردمی بر فعالیتهای دولت است. در واقع پاسخگویی به معنای ابزاری برای پاسخ و توضیح دادن اعمال و تصمیم‌های یک فرد یا مقام یا نهاد دیگری است که آثار حقوقی و سیاسی و اداری به‌دنبال دارد^{۴۴}. در حوزه انتخابات، پاسخگویی اقتضا دارد تصمیمات و اقدامات نهادهای دخیل در انتخابات به‌صورت شفاف اتخاذ شود و چه در زمینه فرایند انتخابات که پیش‌تر مورد اشاره قرار گرفت و چه در زمینه اعلام نتایج به‌گونه‌ای عمل شود که مردم از مبانی و دلایل تصمیمات اتخاذی آگاه شوند که این امر به دو صورت قابل تأمین است؛ یا به‌صورت عمومی به اطلاع عموم رسانده شود و یا به‌دنبال درخواست افراد و به‌صورت موردی پس از اعتراض و شکایت به اطلاع افراد برسد^{۴۵}. برای مثال بر اساس تبصره ۶ ماده ۶۴ (الحاقی در اصلاحیه مورخ ۱۴۰۲/۵/۱) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸ «داوطلب می‌تواند در فرایندهای انتخابات نماینده قانونی خود را با ارائه مدرک رسمی معتبر حسب مورد معرفی کند. دلایل عدم تأیید یا عدم احراز فقط به داوطلب اعلام می‌شود».

بنابراین چنان‌که مبرهن است، پاسخگویی ارتباط نزدیک و تنگاتنگی با اصل شفافیت دارد. ملاحظه‌ای که در مرحله اعلام نتایج انتخابات در این خصوص قابل طرح است، نسبت اصل پیش‌گفته با اصل محرمانگی اطلاعات و احترام به آبرو و کرامت افراد است. از این رو، شفافیت و پاسخگویی به هنگام اعلام نتایج انتخابات به معنای افشای اطلاعات خصوصی افراد نیست.

با عنایت به مطالب فوق و به‌خصوص بند یادشده می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت، چنان‌که اعلام نتایج با امر عمومی همچون ابطال انتخابات و موارد این‌چنینی تلاقی کند و به‌نوعی جنبه

42. Accountability

43. Jashari M, Pepaj I. "The Role of the Principle of Transparency and Accountability in Public Administration". Acta Universitatis Danubius. Administratio. 10 (2018), p. 62.

Houlihan B, Policy S. Accountability and Good Governance. Action for Good Governance in International Sports Organisations. (2013), pp. 22-23.

۴۴. محمدحسین زارعی، «فرایند مردمی شدن، پاسخ‌گویی و مدیریت دولتی»، مجتمع آموزش عالی قم، ش ۹ (۱۳۸۰)، ص ۱۲۲.

۴۵. حسن خسروی، حقوق انتخابات دموکراتیک، (تهران: مجد، چ ۱، ۱۳۸۸)، ص ۱۴۶.

عمومی یابد^{۴۶}، لازم است دلایل و مدارک مورد استناد به صورت عمومی به اطلاع مردم برسد؛ اما چنان که در حیطه خصوصی افراد و مربوط به دلایل شخصی عدم احراز یا رد صلاحیت افراد باشد، لازم است به صورت شخصی و حسب درخواست یا شکایت افراد به اطلاع ایشان برسد.

بند ۲-۱۱ سیاست‌های کلی انتخابات، ضمن تأکید بر شفافیت در انتخابات در تمام مراحل، پاسخگویی مکتوب در خصوص دلایل ابطال انتخابات و رد صلاحیت داوطلبان در صورت درخواست آنان را مورد تأکید قرار داده است^{۴۷}. ماده ۶۱ قانون انتخابات مجلس (اصلاحی ۱۴۰۲) بیان کرده که داوطلب می‌تواند پس از ابلاغ عدم تأیید یا عدم احراز صلاحیت، ظرف دو روز درخواست کتبی مبنی بر ارائه دلایل عدم تأیید یا عدم احراز صلاحیت خود را به هیئت اجرایی بدهد و آن هیئت موظف است دلایل را با رعایت قانون لزوم رسیدگی دقیق به شکایات داوطلبان رد صلاحیت شده در انتخابات مختلف مصوب ۲۲ آبان ۱۳۷۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام در مدت چهار روز به وی ابلاغ کند.

در خصوص شورای نگهبان نیز تبصره ۱ ماده ۶۴ قانون یادشده (الحاقی ۱۴۰۲)، حق دانستن

۴۶. در خصوص جنبه عمومی یافتن موضوعات مرتبط با اعلام نتایج، شاید بتوان مطالبه عمومی را یکی از مصادیق آن دانست، به نحوی که اگر عدم احراز یا رد صلاحیت یک کاندید که از بدنه اجماعی قابل توجهی برخوردار است موجب ایجاد این مطالبه عمومی شود که دلایل آن به صورت عمومی منتشر شود و چنان که منتشر نشود تبعات و آثار سوئی برای حاکمیت به دنبال داشته و موجب سلب اعتماد عمومی گردد، عند الاقتضا دلایل مزبور منتشر گردد. البته ضوابط تشخیص این امر از سوی نهاد ناظر باید منقح و تبیین گردد که مراد از مطالبه عمومی چه میزان از تقاضاها است و حسب مورد تبعات عدم افشای آن برای حاکمیت چیست و از سوی دیگر مصلحت افشای اطلاعات افراد در این موارد بر حرمت حفظ آبروی اشخاص ترجیح دارد یا نه؟ (هرچند در مواردی خود داوطلبان خواهان افشای دلایل مزبور هستند).

در این راستا می‌توان به تبصره ۵ ماده ۶۴ (الحاقی در اصلاحیه مورخ ۱۴۰۲/۵/۱) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸ اشاره کرد که در موارد خاصی به شورای نگهبان اختیار داده است در این باره اطلاع‌رسانی عمومی کند: تبصره ۵- مبنی بر اصل محرمانگی تعیین صلاحیت، اطلاعات و اسناد مربوط به بررسی صلاحیت داوطلبان، مشمول قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی مصوب ۱۳۵۳/۱۱/۲۹ است. در صورتی که انتشار و افشای اطلاعات و اسناد مذکور یا اخبار خلاف واقع مستلزم توضیح یا تبیین از سوی شورای نگهبان باشد، شورا می‌تواند به نحو مقتضی توضیحات خود را به صورت عمومی ارائه نماید.

۴۷. ۱۱- نظارت شورای نگهبان بر فرایندها، ابعاد و مراحل انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری از جمله تأیید نهایی صلاحیت داوطلبان، رسیدگی به شکایات و تأیید یا ابطال انتخابات به منظور تأمین سلامت انتخابات، جلب مشارکت حداکثری و تأمین حقوق داوطلبان و رأی‌دهندگان با:

۱- ۱۱- تعیین سازوکارهای شفاف، زمان‌بندی شده و اطمینان‌بخش و فراهم کردن حضور داوطلبان یا نمایندگان آنها در تمام مراحل.
۲- ۱۱- پاسخگویی مکتوب در خصوص دلایل ابطال انتخابات و رد صلاحیت داوطلبان در صورت درخواست آنان.

دلایل و ارائه دفاعیات و توضیحات داوطلب در مراحل بررسی صلاحیت در شورای نگهبان را تنها در صورتی می‌داند که یکی از شرایط زیر در مورد وی صدق کند:

الف) داوطلب در مراحل نظارتی پیشین، پس از ابلاغ و اطلاع از حق دانستن دلایل و ارائه توضیحات و دفاعیات، درخواست کتبی خود مبنی بر اعمال حق یادشده را ارائه داده، ولی امکان استماع دفاعیات وی فراهم نشده است.

ب) با عذر موجه یا خارج از اراده خود از برخورداری از این حق محروم بوده است.

ج) دلایل، مدارک یا مستندات جدیدی در مراحل بعد کشف شده است که در این صورت، تنها نسبت به همان دلایل جدید حق ارائه دلیل و اخذ دفاعیات انجام می‌شود.

در این خصوص باید گفت، هرچند موارد پیش گفته در اصلاحات اخیر قانون مجلس مورد توجه قرار گرفته و گام مثبتی است، اما محدود نمودن حق دانستن داوطلب به موارد پیش گفته با تحقق کامل اصل پاسخگویی فاصله دارد.

در این خصوص می‌توان به رد صلاحیت ترامپ در دیوان عالی ایالت کلرادو^{۴۸} استناد کرد. این حکم قضایی هرچند مربوط به مقوله اعلام نتایج در انتخابات نیست، اما نشانگر این مسئله است که در مواردی که امری با تأثیرات بزرگ سیاسی و ابعاد این چنینی مطرح می‌شود، جنبه عمومی یافته، در رسانه و فضای سیاسی بازتاب گسترده می‌یابد و می‌تواند از مصادیق اعلام عمومی رد صلاحیت یک نامزد انتخابات باشد. بر اساس این حکم، دیوان عالی کلرادو با استناد به بخش سوم متمم چهاردهم قانون اساسی آمریکا^{۴۹} (افرادی که پس از ادای سوگند به حمایت

۴۸. ر.ک. تصمیم دیوان عالی کلرادو قابل دسترس در:

https://www.supremecourt.gov/DocketPDF/23/23-696/294453/20231228124722255_20231228%20Anderson%20Resp%20Motion%20to%20Expedite.pdf

همچنین:

<https://www.nytimes.com/2023/12/19/us/politics/trump-colorado-ballot-14th-amendment.html>

۴۹. متمم چهاردهم، بخش ۳: شخصی که به عنوان یکی از مقامات ایالات متحده یا به عنوان عضو مجلس قانونگذاری یک ایالت یا در مقام یک مسئول اجرایی یا قضایی ایالتی، برای حمایت از قانون اساسی ایالات متحده قبلاً سوگند ادا کرده باشد، ولی بعداً علیه ایالت خود شورش کند یا به دشمنان وابسته آن یاری دهد، نمی‌تواند به عنوان نماینده سنا یا نماینده کنگره یا عضو هیئت انتخاب کننده رئیس جمهوری و معاون رئیس جمهوری انتخاب شود، یا هرگونه سمت کشوری و لشکری را در ایالات متحده یا در هریک از ایالات آن تصدی نماید. هرچند کنگره می‌تواند با رأی دو سوم اعضای هریک از دو مجلس، به عدم صلاحیت فرد مذکور پایان دهد.

از قانون اساسی دست به شورش می‌زنند)، ابراز داشت دونالد جی ترامپ، رئیس‌جمهور سابق امریکا بار دیگر از تصدی پست ریاست‌جمهوری رد صلاحیت شده است، زیرا او با اقدامات خود در حمله به ساختمان کنگره در ۶ ژانویه دست به شورش زده است. در این حکم به دفتر منتخب قانون اساسی ایالت کلرادو دستور داده شد تا نام ترامپ را از رأی‌گیری مقدماتی جمهوری‌خواهان این ایالت حذف کند.

۲.۲. اصل مستند و مستدل بودن^{۵۰}

ازجمله شرایط اساسی در هر انتخابات سالم و مردم‌سالاری، مستند و مستدل بودن تصمیمات اتخاذی از سوی نهادهای انتخاباتی است. اصل یادشده یکی از الزامات صدور آرای قضایی و شبه‌قضایی است.^{۵۱} با نگاهی کلی‌تر، آگاهی مردم از اصول و مبانی تصمیمات اداری فلسفه اصل یادشده است تا امکان بازنگری و اصلاح تصمیمات فراهم باشد. اصل نامبرده ارتباط محکمی با اصل حاکمیت قانون دارد، چراکه تصمیمات مقامات عمومی باید مبتنی بر قانون باشد و اصل مستند و مستدل بودن این امکان را فراهم می‌کند که مردم سنجه‌های ارزیابی تصمیمات عمومی و تطبیق این تصمیمات بر قانون را در اختیار داشته باشند.^{۵۲}

قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸ با آخرین اصلاحات در سال ۱۴۰۲ در بخش‌های مختلفی به مستند و مستدل بودن تصمیمات نهادهای انتخاباتی اشاره نموده است، ازجمله تبصره ماده ۶۰ (اصلاحی ۱۴۰۲) که در خصوص هیئت‌های اجرایی چنین بیان کرده است، رد صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس باید مستند به قانون و بر اساس مدارک و اسناد معتبر باشد. همچنین ماده ۶۲ قانون یادشده (اصلاحی ۱۴۰۲) ابراز داشته که هیئت نظارت استان در راستای بررسی دقیق صلاحیت داوطلبان و تحت نظارت هیئت مرکزی نظارت موظف است به‌صورت مستدل و مستند به قانون، مدارک، دلایل یا قراین اطمینان‌آور بر اساس تحقیقات لازم، أخذ سوابق و مدارک اثباتی از داوطلب، شنیدن توضیحات یا دفاعیات داوطلب و با رعایت موازین

50. The principle of Being Documented and Substantiated

۵۱. پرویز حاجی‌پور و همکاران، «اصل مستند، مستدل و موجه بودن آرای دیوان عدالت اداری و مراجع شبه‌قضایی با بررسی رویه قضایی»، پژوهش حقوق خصوصی، ش ۴۲ (۱۴۰۲)، ص ۲۸۰-۲۸۵.

۵۲. محمدجواد رضایی‌زاده و محسن داوری، «مبانی و اصول تشخیص صلاحیت نمایندگی مجلس شورای اسلامی»، دانش حقوق عمومی، ش ۱۴ (۱۳۹۵)، ص ۱۳۱.

شرعی و حقوقی، نظر خود را به همراه مستندات به هیئت مرکزی نظارت اعلام کند.

۳.۲. اصل محرمانگی^{۵۳} و حفظ حیثیت در اعلام نتایج

در قوانین موضوعه بسیاری از کشورهای جهان محدودیت‌های گوناگونی برای انتخاب‌شوندگان پیش‌بینی شده است که مرجع نظارتی با رعایت محدودیت‌های یادشده، به بررسی صلاحیت داوطلبان انتخاباتی می‌پردازد. نکته‌ای که در این زمینه حائز اهمیت است، بررسی اطلاعات داوطلبان و درنهایت اعلام نتایج بررسی با رعایت حفظ حیثیت آنها از طریق محرمانگی استدلال‌ها و مستندات است؛ به عبارت دیگر، عدم محرمانگی و بیان کامل دلایل عدم احراز یا رد صلاحیت داوطلبان در رسانه‌های عمومی، موجب تشویش اذهان عمومی، خدشه به حیثیت داوطلب و از سوی دیگر فشار اجتماعی به مرجع نظارتی خواهد شد.

برای مثال، وینچنزو تائانی^{۵۴} در سال ۱۹۹۶ از سوی دادگاهی در بنونتو^{۵۵} در ایتالیا ورشکست اعلام شد و به پرداخت بدهی‌های خود ملزم گردید. او با وجود پرداخت بدهی‌های خود، از برخی اموال و برخی حقوق خود از جمله حق انتخاب شدن محروم گردید. به همین دلیل، وی علیه جمهوری ایتالیا در سال ۲۰۰۱ به دلیل نقض برخی پروتکل‌های کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بر اثر عدم رعایت حقوق محرمانگی اسناد ورشکستگی او از سوی دولت، سلب برخی حقوق وی مانند حق انتخاب شدن و حق تردد آزاد و طولانی شدن روند بررسی پرونده، به دادگاه اروپایی حقوق بشر شکایتی را ارائه کرد. قبل از آن، دولت ایتالیا به دلیل ورشکستگی متقاضی، او را ۵ سال از حضور در انتخابات به‌عنوان انتخاب‌شونده منع و با وجود گذراندن این دوران پنج‌ساله، وی همچنان از حقوق مدنی خود محروم بود و در وضعیت ممنوعیت برای حضور در انتخابات به‌عنوان کاندیدا قرار داشت. در نهایت نیز دادگاه، نقض ماده ۳ پروتکل ۱ را از سوی دولت ایتالیا در مورد تائانی مشهود دانست.^{۵۶}

فونگوم گورجی - دینکا^{۵۷}، تبعه کشور کامرون و ساکن بریتانیا، در سال ۲۰۰۲ شکایتی را علیه

53. Secrecy

54. Vincenzo Taiani

55. Bénévent

56. Taiani v. Italy

<https://www.eods.eu/elex/uploads/files/57c9471e7d358-TAIANI%20c.%20ITALIE.pdf>

57. Fongum Gorji-Dinka

دولت کامرون مبنی بر نقض مواد متعددی از میثاق حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد به دلیل آنچه دولت کامرون «جدایی‌طلبی» می‌خواند و همچنین محرومیت از حقوق سیاسی خود از جمله حق انتخاب شدن تنظیم کرد.

دینکا نه تنها این اتهام دولت کامرون را غیرقانونی و بی‌اساس تلقی می‌کرد، بلکه رفتار دولت کامرون با او را نقض حقوق بشر و حقوق مدنی و سیاسی او می‌دانست که موجب خدشه به حیثیت او شده است. در این پرونده، دولت کامرون علاوه بر اینکه هیچ پاسخی به درخواست‌های کمیته حقوق بشر سازمان ملل نداد، اساساً هیچ‌گونه واکنشی در این مورد نشان نداد و سکوت کرد. به واسطه عدم پاسخگویی دولت کامرون و شواهد متقاضی، کمیته رأی به نقض بند ۱ ماده ۹، بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۰، بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۲۵ میثاق از سوی دولت کامرون داد.^{۵۸}

۴.۲. اصل دادخواهی^{۵۹}

در جوامع دموکراسی، وجود راهکارهای منصفانه و عادلانه برای رسیدگی به اختلافات، ضروری است. اختلافات چه در مراحل ابتدایی انتخابات، یعنی مرحله ثبت نام و احراز صلاحیت‌ها، چه در مرحله برگزاری آن، یعنی تبلیغات و رأی‌گیری و چه در مرحله پسانتخاباتی یعنی اعلام نتایج و... رخ دهد، لازم است در بستری از انصاف و عقلانیت و با رعایت موازین و استانداردهای بین‌المللی حل‌وفصل شوند.^{۶۰}

از سوی دیگر نهادهای بررسی‌کننده صلاحیت داوطلبان انتخابات باید در قبال تصمیمات گرفته‌شده، پاسخگو باشند و از دل همین موضوع، سازوکار دادخواهی عادلانه مطرح می‌شود. البته پاسخگویی نهاد ناظر لزوماً پاسخگویی به حکومت نیست، بنابراین ممکن است نهاد ناظر تنها به دادگاه پاسخگو باشد. از این رو در نظامی که نهاد ناظر به دادگاه پاسخگو است و مشمول نظارت قضایی قرار گرفته، استقلال دادگاه پراهمیت و ضروری است.^{۶۱}

58. Fongum Gorji-Dinka v. Cameroon

<https://www.eods.eu/elex/uploads/files/578e4f24b4f61-Gorji-Dinka%20v.%20Cameroon.pdf>

59. Lawsuit

۶۰. حسین علانی، «مطالعه تطبیقی مکانیسم دادرسی انتخاباتی در انگلستان و اصول بین‌المللی حاکم بر دادرسی انتخاباتی»، پژوهش‌های

حقوقی، ش ۴۴ (۱۳۹۹)، ص ۳۰۰.

61. Gerardo, Munck & Verkuilen, Jay. "Conceptualizing and Measuring Democracy: Evaluating Alternative Indices", Comparative Political Studies, 35 (2002). p.10.

در نظام نظارت قضایی، سطح واقعی پاسخگویی نهاد ناظر به استقلال دادگاه‌ها بستگی کامل دارد؛ در واقع حتی اگر نوعی از استقلال ضمنی هم وجود داشته باشد، ممکن است نهاد ناظر به وسیله دادگاه منحل شود. همه این موارد بستگی به استقلال دستگاه قضایی و قوه قضائیه دارد؛ بنابراین، چنانچه دستگاه قضایی و سیستم دادگاه‌ها بی طرف یا کارآمد نباشند این امر ممکن است بر روند بی طرفی انتخابات لطمه جدی وارد کند.^{۶۲}

طبق اصل ۵۸ قانون اساسی فرانسه، شورای قانون اساسی بر حسن اجرای قانون انتخابات ریاست جمهوری نظارت می‌کند. این شورا به اعتراض‌ها رسیدگی کرده، نتایج انتخابات را اعلام می‌نماید.^{۶۳}

راهکارهایی که مؤسسه بین‌المللی پشتیبانی از دموکراسی و انتخابات^{۶۴} مقرر کرده، به این شرح است:

۱- چارچوب قانونی باید تضمین کند که هر رأی‌دهنده، نامزد و حزب سیاسی، زمانی که ادعا می‌شود نقض حقوق انتخاباتی رخ داده است، حق اقامه شکایت به نهاد انتخاباتی و یا دادگاه صالح را دارد.

۲- قانون باید الزام نماید که نهاد انتخاباتی صالح و یا دادگاه برای اینکه حزب مدعی نقض، حق انتخاباتی خود را از دست ندهد، تصمیمی فوری اتخاذ کند.

۳- قانون باید حق درخواست تجدیدنظر به نهاد یا دادگاه انتخاباتی صالح بالاتر را با اختیار بررسی و اعمال صلاحیت نهایی در این موضوع در نظر بگیرد. تصمیم دادگاه عالی باید فوراً صادر شود.

۴- قانون باید مهلت مناسبی را برای بررسی و تصمیم شکایت و نیز اطلاع از تصمیم، برای شاکی پیش‌بینی نماید.^{۶۵}

62. Eisenstadt, Tood.A. "Measuring Electoral Court Failure in Democratizing Mexico", *International Political Science Review*, No. 1 (2002), p. 14

63. Constitutions Françaises

64. The International Institute for Democracy and Electoral Assistance (IDEA)

65. "Challenging Elections in the UK, (2012, September)", Electoral Commission, Last Accessed January 6, 2017, <https://www.electoralcommission.org.uk/media/4005>.

در سال ۲۰۰۷، دو شهروند مولداویایی - رومانیایی، الکساندر تاناسه و دورین چیرتواکا^{۶۶}، از دولت مولداوی به واسطه «ممنوعیت حضور شهروندان به علت تابعیت دوگانه در انتخابات» به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^{۶۷} شکایت کردند و خواستار لغو این قانون و امکان حضور در انتخابات مجلس مولداوی شدند. آنان به واسطه ارجاع به ماده ۱۴ پروتکل کنوانسیون یعنی «ممنوعیت تبعیض در حقوق سیاسی اجتماعی فارغ از نژاد و جنسیت» و همچنین ماده ۳ پروتکل شماره ۱ این کنوانسیون مبنی بر «حق انتخابات آزاد» شکایت خود را مطرح کردند.

دادگاه حقوق بشر اروپایی در این پرونده حتی با وجود استناد قوانین داخلی مولداوی به «غیرمجاز بودن حضور شهروندانی با تابعیت مضاعف در انتخابات»، به نقض ماده ۳ پروتکل شماره ۱ کنوانسیون^{۶۸} از سوی دولت مولداوی رأی داد و شکایت این دو شهروند را وارد دانست. جالب آن است که دادگاه در رأی خود حتی شرایط خاص تاریخی و سیاسی مولداوی را هم یادآور می‌شود، اما با این حال این قانون مولداوی را ناقض کنوانسیون می‌داند.^{۶۹}

در سال ۲۰۰۲ میکولا میکولاویویچ کواچ^{۷۰}، نامزد انتخابات مجلس اوکراین، شکایتی را علیه دولت اوکراین به اتهام نقض ماده ۳ پروتکل ۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به دلیل ابطال آرای چهار حوزه انتخاباتی که سبب بازنده اعلام شدن نامزد یادشده در انتخابات مجلس این کشور شد، تنظیم کرد. از طرف دیگر دولت اوکراین دلیل این ابطال را وجود تخلفاتی در این حوزه‌های انتخاباتی عنوان نمود و مدارک خود را نیز به دادگاه اروپایی حقوق بشر تقدیم کرد. با این حال، دادگاه شواهد و مدارک دولت اوکراین را ناکافی دانست و به نقض ماده ۳ پروتکل ۱ کنوانسیون از سوی دولت اوکراین رأی داد و اعلام کرد موارد ابطال شده کاملاً خودسرانه بوده، این عمل مطابقتی با آنچه دولت اوکراین «اهداف قانونی» می‌نامد، ندارد.

66. Alexandru Tănase and Mr Dorin Chirtoacă

67. European Convention on Human Rights

۶۸. برای مطالعه مواد منشور، نک:

https://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cd=&cad=rja&uact=8&ved=2ahUK Ewih6om_qP-CAXUsYPEDHVB0AlwQFnoECA4QAQ&url=https%3A%2F%2Fwww.echr.coe.int%2Fdocuments%2Fd%2Fechr%2Fconvention_ENG&usg=AOvVaw2znO_HcjW6NnBU24DZUXqD&opi=89978449

69. Tanase v. Moldova

<https://www.eods.eu/elex/uploads/files/57c448d285d90-TANASE%20v.%20MOLDOVA.pdf>

70. Mykola Mykolayovych Kovach

۵.۲. اصل کتبی بودن اعلام نتایج

اساساً یکی از ویژگی‌هایی که بایسته‌های مربوط به اعلام نتایج را تأمین می‌کند و باب دادخواهی از اعلام نتایج بررسی صلاحیت‌ها را فراهم می‌آورد، ویژگی رسمی بودن اعلام نتایج است. یکی از جلوه‌های رسمی بودن، نگارش و ثبت و ضبط نتایج بررسی است تا به موجب آن امکان دادخواهی فراهم شده، حیثیت اشخاص با حفظ محرمانگی این اسناد، در امان باشد.

یکی از ویژگی‌های کتبی بودن اعلام نتایج، جلوگیری از تفسیر موسع در مواجهه با نتیجه است. همین امر موجب می‌شود داوطلب در صورت وجود اعتراض به نتیجه یادشده، در حدود نظرهای تنقیح‌شده در اعلام نتایج، اعتراض خود را بازگو کند. همچنین این موضوع هم در اعلام نتایج و هم در رسیدگی به اعتراضات وارده پس از اعلام نتایج از اهمیت وافری برخوردار است.

برای مثال، شورای قانون اساسی فرانسه مانند دیگر دادگاه‌ها باید تصمیم‌های خود را بر پایه دلایل و مستندات حقوقی بگیرد و آرای خود را به پشتوانه استدلال درست، روشن و دقیق صادر کند. با آنکه این نهاد همواره چنین هدفی را دنبال کرده، ارزیابی حقوقدانان از شیوه استدلال شورا همیشه رضایت‌بخش نبوده است. گروهی با نیم‌نگاهی به آرای دیگر دادگاه‌های اساسی، به‌ویژه دادگاه فدرال آلمان^{۷۱}، کارنامه شورا را نسبتاً خوب می‌دانند^{۷۲}. گروهی دیگر بر این باورند که استدلال‌های به‌کاررفته در آرا ناکافی^{۷۳} یا شیوه کار شورا غیردقیق و پیش‌بینی‌ناپذیر است^{۷۴}.

نتیجه

نهاد ناظر و فرایند اعلام نتایج ذیل دو بخش مورد بررسی قرار گرفته و اصول و بایسته‌های آن استخراج شده است. گفته شد که اصول و بایسته‌های مربوط به نهاد ناظر به‌عنوان نهاد متولی امر خطیر انتخابات که تحت عنوان نهاد ناظر انتخابات می‌توان از آن نام برد، پراهمیت است.

71. Autorité Absolue de Chose Jugée.

72. ROUSSEAU, Dominique, GAHDOUN, Pierre-Yves et BONNET, Julien, *Droit du Contentieux Constitutionnel*, (Paris: Montchrestien, 11 Édition, 2016), p. 870.

73. SABETE, Wadgi, "De L'insuffisante Argumentation des Décisions du Conseil Constitutionnel", *Actualité Juridique. Droit Administratif*, No. 9 (2011), p. 885.

74. de Paul Tetang F. "À Propos de la Qualité Des Décisions du Conseil Constitutionnel". *Revue Francaise de Droit Constitutionnel*. No. 108 (2016), p. 5.

اصولی چون قانونی بودن، شفافیت، بی‌طرفی، حاکمیتی بودن و استقلال از مهم‌ترین بایسته‌های نهاد ناظر انتخابات است که در این پژوهش به‌عنوان اصول قوام‌بخش و حامی و حافظ منافع و حقوق شهروندی مانند حق «انتخاب شدن» و «انتخاب کردن»، به آنها پرداخته شده است. البته با مطالعه موارد متعددی در دولت‌های مختلف مشخص شد که این اصول نه جنبه‌ای محلی، بلکه جهانی و همه‌شمول دارد و اساس شکل‌گیری انتخابات آزاد به‌عنوان اصلی از اصول دموکراسی شمرده می‌شود.

در بخش دوم نیز اصول و بایسته‌های حاکم بر اعلام نتایج انتخابات بررسی و تبیین شده است. در این میان اصولی چون پاسخگویی، مستدل بودن، حفظ محرمانگی، امکان دادخواهی و کتبی بودن اعلام نتایج، به‌عنوان به‌وجودآورنده شرایط امکان اعلام نتایج انتخابات به صورتی عادلانه بررسی و تفسیر گردید. این اصول، شکل‌گیری نوعی نظم سازمان‌یافته و عادلانه را ممکن ساخته است که تمامی کاندیداها بتوانند منافع و حقوق خود را دریافت کنند و مهم‌تر از آن، امکان اعتراض و دادخواهی را نیز به شکلی قانونی که خدشه‌ای به نظام انتخاباتی کشور وارد نکند، داشته باشند.

در این میان و به‌ویژه در بخش نهاد ناظر سعی شد نگاهی کوتاه به وضعیت انتخابات و رعایت بایسته‌های آن انداخته شود و نتیجه آن بود که در ایران و به‌ویژه با پیروزی انقلاب اسلامی، شورای نگهبان به‌عنوان نهادی مستقل، قانونی و حاکمیتی، وظایف یک نهاد ناظر را عهده‌دار شد. از طرف دیگر این نهاد در امر اعلام نتایج در کنار وزارت کشور، دو عنصر حیاتی هستند که این مسئولیت مهم را به‌عهده دارند. در امر حاکمیتی و قانونی بودن، در انواع انتخابات اعم از ریاست‌جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری، شورای نگهبان دارای صلاحیت ذاتی و قانونی برای اعمال نظارت و تصمیم‌گیری است و همچنین به‌عنوان نهاد پاسخگو موظف به رسیدگی به شکایات است. از زاویه استقلال و بی‌طرفی این نهاد، شورای نگهبان در راستای انجام وظایف و اختیارات خود مقرر در اصول ۴، ۹۴ و ۹۹ به ساختار و تشکیلات اداری مناسب نیازمند است و این مهم در گرو استقلال رأی در امور داخلی و سازمانی خود و همچنین بی‌طرفی اعضا و کارگزارانش در امر انتخابات است.

شورای نگهبان در ایران، شورای قانون اساسی در فرانسه، شورای ویژه انتخابات در ژاپن، همگی در شناخت مفهوم نهاد ناظر در کشورها و دولت‌های گوناگون به کار می‌روند. در این میان می‌توان نتیجه گرفت که ماهیت این نهادها یکسان (با تسامح)، اما دارای اختیارات یا مؤلفه‌های متفاوتی با یکدیگر هستند. با این حال، نتیجه‌گیری مهم آن است که به واسطه ماهیت یکسان این نهادها، وجود چنین نهادی برای پاسداری از مردم‌سالاری و امر انتخابات از اهم بایسته‌هاست و حتی کارویژه اعلام نتایج و پاسخگویی هم در گرو سلامت این نهاد است.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- کتاب‌ها

۱. ابوالحسنی، محسن (۱۳۹۳). گزارش پژوهشی آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی بررسی مفهوم «استقلال»، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
۲. خسروی، حسن (۱۳۸۸). حقوق انتخابات دموکراتیک. تهران: مجد.
۳. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۵). فرهنگ متوسط دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
۴. شیخ‌الاسلامی، محسن (۱۳۹۸). حقوق اساسی تطبیقی. شیراز: شیراز.
۵. قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۲). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی. تهران: میزان.
۶. کرون، پاتریشیا (۱۴۰۱). جامعه‌های ماقبل صنعتی. تهران: ماهی.
۷. مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۷۹). حقوق اساسی تطبیقی. تهران: پایدار.
۸. منتسکیو، شارل (۱۳۴۳). روح‌القوانین. ترجمه علی‌اکبر مهتدی، تهران: امیرکبیر.

- مقالات

۹. بزرگمهری، مجید (۱۳۸۵). بررسی تطبیقی شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان در نظام انتخاباتی ریاست‌جمهوری ایران و فرانسه. حقوق اساسی، ۴(۷)، ۴۵-۵۵.
۱۰. حاجی‌پور، پرویز؛ فقیه حبیبی، علی و حبیب‌زاده، توکل (۱۴۰۲). اصل مستند، مستدل و موجه بودن آرای دیوان عدالت اداری و مراجع شبه‌قضایی با بررسی رویه قضایی. پژوهش حقوق خصوصی، ۱۱(۴۲)، ۲۷۷-۳۱۴. Doi: 10.22054/jplr.2023.68027.2675
۱۱. راسخ، محمد و رفیعی، محمدرضا (۱۳۹۳). نسبت حکومت با زندگی مطلوب؛ نگرشی به رویکرد بی‌طرفی. مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ۱(۱)، ۱۰۹-۱۳۱.
۱۲. رضائی‌زاده، محمدجواد و داوری، محسن (۱۳۹۵). مبانی و اصول تشخیص صلاحیت نمایندگی مجلس شورای اسلامی. دانش حقوق عمومی، ۵(۱۴)، ۱۱۷-۱۴۲.

۱۳. زارعی، محمدحسین (۱۳۸۰). فرایند مردمی شدن، پاسخ‌گویی و مدیریت دولتی. *نامه مفید*، مجتمع آموزش عالی قم، ۳ (۹)، ۱۲۱-۱۵۵.

۱۴. علانی، حسین (۱۳۹۹). مطالعه تطبیقی مکانیسم دادرسی انتخاباتی در انگلستان و اصول بین‌المللی حاکم بر دادرسی انتخاباتی. *پژوهش‌های حقوقی*، ۱۹ (۴۴)، ۲۹۷-۳۲۴.

Doi: 10.48300/jlr.2020.120710

۱۵. مرادخانی، فردین و صباغی ولاشانی، ابراهیم (۱۴۰۱). حدود استقلال شورای نگهبان (مطالعه موردی استقلال مالی، اداری، استخدامی و تشکیلاتی شورای نگهبان). *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ۱۳ (۲۶)، ۲۱۵-۲۳۵.

Doi: 10.22034/law.2021.46318.2917

ب) منابع انگلیسی

- Books

16. Rousseau, D.; Gahdoun, P. Y.; Bonnet, J., & Vedel, G. (2016). *Droit du Contentieux Constitutionnel* (Vol. 7). Paris: Montchrestien.
17. Bendix R. & Max Weber (1998). *An Intellectual Portrait*. Psychology Press.
18. Giddens, A., & Griffiths, S. (2006). *Sociology*. Polity.
19. Houlihan, B., & Policy, S. (2013). *Accountability and Good Governance*. Action for Good Governance in International Sports Organisations.

- Articles

20. Adler, E. S., & Hall, T. E. (2013). Ballots, Transparency, and Democracy. *Election Law Journal*, 12(2), 146-161.
21. Bendix, R. (1998). Max Weber: An Intellectual Portrait. United Kingdom: *Routledge*.
22. Eisenstadt, Tood.A. (2002). "Measuring Electoral Court Failure in Democratizing Mexico", *International Political Science Review*, 23 (1), 47-68.
23. Gert, B. (1995). Moral Impartiality. *Midwest Studies in Philosophy*, 20(1), 102-128.

24. Hollyer, J. R., Rosendorff, B. P., & Vreeland, J. R. (2011). Democracy and transparency. *The Journal of Politics*, 73(4), 1191-1205.
25. Jashari, M., & Pepaj, I. (2018). The Role of the Principle of Transparency and Accountability in Public Administration. *Acta Universitatis Danubius*. Administratio, 10(1), 60-69.
26. Munck, G. L., & Verkuilen, J. (2002). Conceptualizing and Measuring Democracy: Evaluating Alternative Indices. *Comparative Political Studies*, 35(1), 5-34.
27. Murjani, M., & Sagama, S. (2022). The Existence of the Election Supervisory Agency Post 2024 Based on Positive Law. *Syiah Kuala Law Journal*, 6(3), 242-256.
28. Sule, B., Mohd Sani, M. A., & Mat, B. (2017). Independent National Electoral Commission and Campaign Financing Monitoring in Nigeria: The 2015 General Elections. *Journal of International Studies*, (13), 15-31.
29. Suyatno, S. (2021). The General Election Process Dispute Settlement Procedure By Election Supervisory Agency. *In Proceeding of International Conference on the Law Development For Public Welfare*. 1(1), 180-189.
30. Tetang, F. (2016). À propos de la Qualité des Décisions du Conseil Constitutionnel (Réflexions à la Lumière de la Jurisprudence Récente) *Revue Française de Droit Constitutionnel*, 108(4), 1-36. <https://doi.org/10.3917/rfdc.108.0987>.

- Websites

31. ARRÊT TAIANI c. ITALIE. (2006). In Cour Européenne Des Droits De L'Homme. <https://www.eods.eu/elex/uploads/files/57c9471e7d358-TAIANI%20c.%20ITALIE.pdf>
32. CASE OF TĂNASE V. MOLDOVA. (2010). <https://www.eods.eu/elex/uploads/files/57c448d285d90-TANASE%20v.%20MOLDOVA.pdf>
33. CASE OF THE COMMUNIST PARTY OF RUSSIA AND OTHERS v. RUSSIA. (2012). <https://www.eods.eu/elex/uploads/files/57ce9d47277d0-COMMUNIST%20PARTY%20OF%20RUSSIA%20AND%20OTHERS%20v.%20RUSSIA.pdf>

34. Challenging Elections in the UK, (2012),” Electoral Commission”,
<https://www.electoralcommission.org.uk/media/4005>.
35. Covenant on Civil and Political Rights <https://iran.un.org/en/106018-international-covenant-civil-and-political-rights> International
36. European Convention on Human Rights available at:
https://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cd=&cad=rja&uact=8&ved=2ahUKEwih6om_qP-CAxUsYPEDHVB0AlwQFnoECA4QAQ&url=https%3A%2F%2Fwww.echr.coe.int%2Fdocuments%2Fd%2Fechr%2Fconvention_ENG&usg=AOvVaw2znO_HcjW6NnBU24DZUXqD&opi=89978449
37. Fenster, M. (2005). The Opacity of Transparency. SSRN Electronic Journal. <https://doi.org/10.2139/ssrn.686998>
38. Fongum Gorji-Dinka v. Cameroon available at: <https://www.eods.eu/elex/uploads/files/578e4f24b4f61-Gorji-Dinka%20v.%20Cameroon.pdf>
39. Green, R. (2014). Rethinking Transparency in U.S. Elections. William & Mary Law School Scholarship Repository. <https://scholarship.law.wm.edu/facpubs/1724>
40. Human Rights Committee, Paksas, R., & Neuman, G. L. (2014). Views of the Human Rights Committee under article 5, paragraph 4, of the Optional Protocol to the International Covenant on Civil and Political Rights (110th session) concerning Communication No. 2155/2012. In S. Tomas & United Nations, International Covenant on Civil and Political Rights. [https://www.eods.eu/elex/uploads/files/57c43878b315a-Paksas%20v.%20Lithuania%20\(UNHRC%20-%202155-2012\).pdf](https://www.eods.eu/elex/uploads/files/57c43878b315a-Paksas%20v.%20Lithuania%20(UNHRC%20-%202155-2012).pdf)
41. Merriam-Webster Online Dictionary
42. Murray, J., Grimsley, S., Olson, E., Broer, I., & Olson Grimsley Kawanabe Hinchcliff & Murray Llc. (2023). Motion of the Anderson Respondents to Expedite Briefing on the Petitions for a Writ of Certiorari and for Expedited Merits Briefing If the Court Grants the Petitions. In the Supreme Court of the United States. https://www.supremecourt.gov/DocketPDF/23/23-696/294453/20231228124722255_20231228%20Anderson%20Resp%20Motion%20to%20Expedite.pdf

43. PETKOV AND OTHERS v. BULGARIA. (2009). <https://www.eods.eu/elex/uploads/files/57c4469fbe072-PETKOV%20AND%20OTHERS%20v.%20Bulgaria.pdf>
44. Phillips, A., & Phillips, A. (1980). DECISION of 18 December 1980 on the admissibility of the application (A. Phillips, Interviewer). <https://www.eods.eu/elex/uploads/files/57cd7746a0e1d-LIBERAL%20PARTY,%20R.%20and%20P.%20v.%20the%20UNITED%20KINGDOM.pdf>
45. Sabete, W. (2011). De L'insuffisante Argumentation des Décisions du Conseil Constitutionnel. L'Actualité Juridique. Droit Administratif, 16, 885. <https://halshs.archives-ouvertes.fr/halshs-02219679>
46. Trump is Disqualified from 2024 Ballot, Colorado Court Says in Explosive Ruling. (2023, March 16). The New York Times. <https://www.nytimes.com/2023/12/19/us/politics/trump-colorado-ballot-14th-amendment.html>
47. Vajić, N., Steiner, E., Hajiyeu, K., Trajkovska, M. L., Laffranque, J., Sicilianos, L.-A., & Møse, E. (2012). CASE OF HAJILI v. Azerbaijan. European Court of Human Rights. <https://www.eods.eu/elex/uploads/files/57ce99610e722-HAJILI%20v.%20AZERBAIJAN.pdf>
48. World Bank. (2016). Making Politics Work for Development: Harnessing Transparency and Citizen Engagement. **The World Bank.**

- Laws

49. Constitutions françaises